

چرا کشاورزی کشور بخش درجه چندم شده است: نگاه درمان گرایانه

چند دهه پیش در بخش کشاورزی کشور افرادی حضور داشتند که هر یک در کشاورزی جهان در زمینه خاصی مرجع بودند. به نظر می‌رسد یکی از عوامل مهم تاثیرگذار بر تکامل و ترقی این افراد جایگاه تخصصشان در کشور بوده است. در آن سال‌ها انتخاب رشته در دانشگاه صرفاً بر اساس علاقه بود و اولویت خاصی برای جوانان کشور مطرح نبود. تمامی علوم و رشته‌های مختلف تقریباً در یک درجه از اهمیت قرار داشتند. در سال ۱۳۵۴ در دانشگاه فردوسی مشهد اتفاقی رخ داد که البته در آن زمان بسیار عادی بود. اتفاق این بود که در اواسط ترم از طرف اداره آموزش دانشکده دندانپزشکی اطلاعیه‌ای داده شد مبنی بر اینکه ظرفیت دانشکده دندانپزشکی کامل نشده و دانشجویان ترم اول دانشکده‌های کشاورزی و علوم تربیتی می‌توانند به دندانپزشکی منتقل شوند. تنها شرط این انتقال داشتن معدل ۳ (معدل ۳ از ۴) در ترم اول بود. البته از دانشکده کشاورزی هیچ‌کس برای انتقال به دندانپزشکی اقدام نکرد. من در آن زمان دانشجوی رشته زراعت و اصلاح نباتات دانشکده کشاورزی بودم.

این مقدمه تاریخی را گفتم تا به این مطلب برسم که در جهان روش‌های مختلفی بر اداره جامعه حاکم است ولی در یک نگاه کلی شاید بتوان روش‌های حاکم بر جامعه را به دو دسته "پیش‌گیرانه" و "درمان‌گرایانه" تقسیم کرد. در روش پیش‌گیرانه برای آینده برنامه‌های کوتاه مدت تا درازمدت وجود دارد. این برنامه‌ها در تمامی بخش‌های جامعه از جمله سلامت و غذا وجود دارد.

در این روش، پیش‌گیری از بیماری‌ها و ناهنجاری‌ها از اولویت مهمی برخوردار است. در این جوامع پزشک و پزشکی در اولویت اول قرار ندارد. گرچه در این روش هم باهوش‌ترین جوانان وارد رشته‌های پزشکی می‌شوند و پزشکان از درآمد بالایی برخوردارند ولی در این جوامع درمان حرف اول را نمی‌زند. در هر کوی و برزن ده‌ها داروخانه، درمانگاه، مرکز پزشکی و بیمارستان دیده نمی‌شود. در هر شهر کوچکی ده‌ها دستگاه پیشرفته و گران‌قیمت مربوط به آزمایشات پزشکی دیده نمی‌شود. پزشکان مشهور روزانه ده‌ها عمل جراحی انجام نمی‌دهند. هر روز افتتاح بیمارستانی مدرن و تخصصی جز افتخارات فرمانداران، استانداران و مسئولین عالی‌رتبه محسوب نمی‌شود.

در این جوامع درمان بیماری چنان جایگاهی یافته است که گاهی بر سر در تعمیرگاه‌های ماشین تابلو "مرکز فوق تخصصی ..." مشاهده می‌شود.

در این جوامع همه چیز "درمان بیماری‌های ایجاد شده در اثر عدم توجه به موارد دیگر" نیست. در این جوامع جوانان بر اساس علاقه خود وارد دانشگاه می‌شوند. لذا پیشگیری - یعنی تولید غذای سالم، داشتن محیط زیست سالم، تنفس هوای پاک، دارا بودن آب سالم - جایگاه ویژه دارد. در این جوامع علوم جدید و دستاوردهای آن در تمامی زمینه‌ها از کشاورزی و محیط زیست، تا علوم انسانی و تربیتی جایگاه دارد.

در جوامع "درمان‌گرایانه" تمامی عوامل برای ایجاد زمینه کار - یعنی ایجاد ناهنجاری - و در نتیجه درمان آن فراهم است. در اینجا تمامی عوامل کمک می‌کنند ناهنجاری ایجاد شود تا به درمان آن پرداخته شود. لذا در چنین سیستمی تقریباً در تمامی روزهای سال به دلایل مختلف و متفاوت آلودگی هوا وجود دارد. در چنین سیستمی تولید

غذای سالم در اولویت قرار ندارد. بخش اعظمی از درآمدهای کشور صرف درمان بیماری‌های مختلف می‌شود. بیماری‌های خاص گسترش زیادی دارد و هزینه‌های زیادی بر دوش بیماران، مردم و مسئولین می‌گذارد. در سیستم درمان‌گرایانه، سرمایه‌گذاران و سرمایه داران جامعه درمان‌گران هستند. آپارتمان‌سازی، بیمارستان‌سازی و بسیاری از دیگر مشاغل جنبی این درمان‌گرایان است. در این سیستم پیشرفته‌ترین دستگاه‌های تشخیصی و شناسایی در کشور وجود دارد. جدیدترین علوم درمان‌گری و جدیدترین داروها در کشور موجود است.

در چنین سیستمی جایگاه کشاورزی چیست و کشاورزی در کجای تاثیرگذاری قرار دارد؟

در این سیستم چون درمان حرف اول را می‌زند هزینه و حمایت مناسبی برای بخش‌های دیگر در نظر گرفته نمی‌شود لذا کشاورزی که خود از بخش‌های آسیب‌پذیر جامعه است و نیاز مداوم به حمایت دارد بخش فرعی می‌شود. در سیستم "پیش‌گیرانه" به دلیل نیاز به کاهش شدید ناهنجاری‌ها، غذای سالم و محیط سالم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است لذا توجه ویژه به کشاورزی و تولید غذای سالم است. در چنین سیستمی باید سرمایه‌گذاری‌های اساسی و بنیادی برای حفظ منابع و تولیدات کشاورزی انجام شود تا کشور به پایداری برسد. وقتی در طی یک سال ۱۶ میلیارد دلار هزینه واردات محصولات کشاورزی است دیگر جایی برای کشاورزی باقی نمی‌ماند. در این حالت است که وزیر وقت کشاورزی میزان فارغ‌التحصیلان دانشکده‌های کشاورزی شاغل در تخصص خود را کمتر از یک درصد اعلام می‌کند.

در این حالت است که هر سال متقاضیان با رتبه پایین‌تر کنکور به دانشکده‌های کشاورزی وارد می‌شوند. در این حالت است که در یک بازدید از ۱۵ داروی نو ترکیب ژنتیکی رونمایی می‌شود در صورتی‌که در همین زمان تولید محصولات گیاهی نو ترکیب ژنتیکی مجوز قانونی هم ندارد. در چنین حالتی است که علوم نوین در کشاورزی جایگاهی ندارد و کاربردهای آن در تولید حتی اجازه قانونی هم ندارد.

در چنین حالتی است که بر مصرف سم و کود در کشاورزی کشور کنترلی نیست همانگونه که بر مصرف دارو هم کنترلی نیست.

در این سیستم بتدریج روستاها از جمعیت تخلیه می‌شود. واسطه‌گری گسترش می‌یابد و نه تنها تولیدات کشاورزی بلکه هیچ تولیدی جایگاه ندارد چون در سیستم "درمان‌گرایانه" توجه به تولید و در راس آن تولیدات کشاورزی از جایگاهی برخوردار نیست.

در پایان باید بر این نکته توجه شود که عدم توجه به کشاورزی به معنی عدم توجه به محیط زیست و منابع طبیعی و از همه مهمتر منابع آبی است. در حال حاضر در کشور ما منابع آبی بشدت در حال نابودی است و جالب است که خود این کشاورزی و عدم توجه به محیط زیست عامل اساسی این نابودیست. در بسیاری از مناطق آب‌های فسیلی از اعماق زمین خارج و با مصرف بی‌رویه و بی‌برنامه تبدیل به محصولات برنامه ریزی نشده و هدررفت‌های مختلف می‌شود. بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع بشدت تخریبی است. دریاچه‌ها و تالاب‌ها به سرعت در حال نابودی است. علاوه بر همه این موارد تغییرات اقلیم و پی‌آمدهای فاجعه‌بار آن را هم باید اضافه کرد.

این وضعیت را می‌توان بدین گونه ترسیم کرد که تمام امکانات در انتهای یک بزرگراه تاریک، پر از سنگلاخ، پستی و بلندی‌های دهشتناک و حیوانات مخوف فراهم شده تا سانحه دیدگانی که به انتهای این مسیر می‌رسند را درمان کنند. آیا هنوز هم کسی نمی‌داند که می‌توان در طی راه موانع را برطرف کرد که در آن صورت مسافری بزرگراه آسوده‌خاطر خواهند شد. از آنجا که در طول راه روشنایی، سبزی، هوای پاک، زیست و زیستگاه می‌بینند لذا هر کس در جای خود، در زمان خود و در مسیر خود حرکت خواهد کرد. جوان روستایی در روستا می‌ماند و تولید می‌کند.

دانشجوی فارغ التحصیل کشاورزی به کار خود می‌پردازد. استاد و دانشجوی علوم انسانی در تخصص خود فعال خواهد بود. استاد و متخصصین کشاورزی خود را در درجه چندم نمی‌دانند. گیاه تراریخت، تولیدات کشت بافتی و دستاوردهای نوین اسیر دره‌های تاریک این بزرگراه نمی‌شوند. برای مبارزه با جانوران وحشی و درنده تمام طول بزرگراه سمپاشی نمی‌شود.

در این شرایط درمان گرایان انتهایی راه نیز درون بزرگراه، درون جامعه زنده جایگاه خود را خواهند داشت و زیبایی زندگی را بین خود و جامعه تقسیم خواهند کرد.

در چنین شرایطی است که در طول بزرگراه زیبایی دریاچه ارومیه دیده می‌شود. حضور پرندگان مهاجر در دریاچه بختگان شنیدنی می‌شود. حرکت آب زاینده‌رود به سمت گاوخونی چشم‌نواز خواهد بود و پرندۀ زندگی بر شأنۀ جوانان مسافر در این بزرگراه نغمه A تا Z را می‌خوانند.